

سرمایه‌گذاری

مستقیم

خارجی

در کشورهای

در حال

توسعه

◆ نقل از بولتن مفتگی بانک

◆ کردیت

◆ شماره ۲۲ - سال ۴۲

◆ ۵ ژوئن ۱۹۸۷

✦ ترجمه: ناهیده راعی

این روزها که کشور مرحله‌ی برنامه‌ریزی برای بازسازی اقتصاد
رامی‌گذراند، یکی از مسائل مهم پیش‌پای برنامه‌ریزان تامین
منابع مالی لازم برای بازسازی و از جمله فراهم آوردن ارز مسورد
نیاز است.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از راههای تامین منابع ارزی
است که ویژگیهای خاص خود را دارد. در مقاله‌ی حاضر عملکرد
سرمایه‌گذاریهای اخیر در کشورهای در حال توسعه مورد بحث
قرار گرفته است.

شناسائی امکانات و مخاطرات انواع منابع ارزی قابل دسترس
میتواند برنامه‌ریزان را در ارزیابی سود و زیان روی آوری به خارج
یاری دهد.

درسالهای اخیر توجه عموم نسبت به سرمایه گذاری خارجی افزایش یافته است . چه در کشورهای جهان سوم و چه در کشورهای صنعتی در همه جا صحبت از افزایش سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه شنیده میشود . اما این توجه دوباره برای چیست و سرمایه گذاری خارجی چگونه میتواند در راه توسعه ی يك کشور روبه رشد به كار گرفته شود ؟ هدف مقاله ی حاضر بررسی علل توجه به سرمایه گذاری مستقیم و ماهیت عملکرد این نوع سرمایه گذاریها در کشورهای در حال توسعه است .

سرمایه گذاری مستقیم خارجی چیست ؟

با گذشت سالها شکل سرمایه گذاری مستقیم خارجی به شدت تغییر کرده است و امروز دیگر به سادگی نمیتوان گفت منظور از سرمایه گذاری مستقیم خارجی چیست ؟ تعریف قدیمی عبارت ، انتقال سرمایه به خارج از کشور و ورود آن به کشور میزبان را نشان میدهد به این دلیل است که در جداول ترانز پر داختها که صندوق بین المللی پول خصوصیات اقلام آن را مشخص میکند ، سرمایه گذاری مستقیم خارجی را نوعی سرمایه گذاری می شمرند که در آن شرکت خارجی با هدف دخالت در مدیریت به سرمایه گذاری میپردازد . در این گروه خرید سهام ، وامهای دریافتی از شرکت مادر و سود دوباره سرمایه گذاری شده در شرکت خارجی قرار داده میشود .

دلایل زیادی وجود دارد که بر اساس آن آمار ثبت شده در ترانز پر داختها بر آوردی پائین تر از حد واقعی سرمایه گذاری مستقیم خارجی را نشان میدهد . به عنوان مثال آمار مربوط به سود دوباره سرمایه گذاری شده در شرکتهای خارجی به ندرت ثبت میشود و از آن گذشته در بیشتر کشورها اگر میزان سرمایه گذاری بین ۱۰ تا ۲۵ درصد ارزش سهام يك شرکت نباشد ، آن سرمایه گذاری سرمایه گذاری مستقیم تلقی نمیشود . سرمایه گذاریهای کمتر از ۱۰ درصد سهام شرکت را اغلب به عنوان سرمایه گذاری غیر مستقیم و از نوع

خرید سهام تلقی میکنند. لازم به تذکر نیست که نسبت‌های ۱۰ و ۲۵ درصد هم ارقامی اختیاری است که در کشورهای مختلف بنابه نظر و سلیقه‌ی متصدیان امور بر کزیده میشود. بنابراین آن چه در یک کشور در گروه سرمایه گذاری مستقیم ثبت میشود، در کشور دیگر میتواند در طبقه‌ی سرمایه گذاری غیرمستقیم درج گردد.

شاید یک دلیل این برآورد کمتر از واقعیت تغییری باشد که در ماهیت سرمایه گذاری مستقیم خارجی رخ داده است. به عنوان مثال در مقایسه با سالهای دهه‌ی ۱۹۷۰ انواع جدیدی از سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی بوجود آمده که این انواع هرگز در طبقه بندیهای صندوق بین المللی پول درج نشده است. بنابراین کشورها هم این نوع سرمایه گذاریها را در امارات سرمایه گذاری مستقیم خارجی خود ثبت نمی کنند. در بین این انواع میتوان به اعطای حق امتیاز، مقاطعه کاریهای فرعی بین المللی، قراردادهای مدیریت و طرحهای تغییر دهنده‌ی اصلی در قراردادها اشاره کرد.

در این گونه قراردادها، دریافتی شریک خارجی با سود و اخذ مختلط ارتباطی مستقیم دارد*. در قراردادهای اخیر، شریک خارجی سهام شرکت را خریداری نمیکند اما معامله‌ی بین طرف خارجی و افراد یک شرکت را باید نوعی سرمایه گذاری تلقی کرد چون عامل عدم اطمینان در آن وجود دارد و در هر حال معامله را نمیتوان یک نوع خرید و فروش عادی محسوب کرد. از آن گذشته، چنین قراردادهایی اغلب ماهیتی موقتی دارند که در مدت اجرای قرارداد شریک خارجی باید به تربیت نیروی کار محلی بپردازد. در مواردی نیز دیده شده است که برای اجرای طرحهای عمومی، مثل سد سازی، احداث تونل و

* شرح جامعی از این نوع سرمایه گذاریها در مقاله زیر دیده میشود:

OMAN, CH: LES NOUVELLES FORMES D'INVESTISSEMENT
DANS LES PAYS EN DEVELOPPEMENT "; OECD :
PARIS : 1984

ایجاد پیل ، سرمایه گذاری ونیروی کار متخصص خارجی به کار گرفته شده است ودراین موارد پس از گذشت مدت زمان قرارداد ، کلیه ی سرمایه بطور خود کار به دولت میزبان تحویل داده میشود .

بااین اوصاف ، تعریف وسیعتر سرمایه گذاری مستقیم خارجی شامل انتقال سرمایه ، انواع منابع سرمایه ای ، دانش فنی ، مدیریت و مهارتهای بازاریابی نیز میشود . بنابراین وقتی این نوع مبالغ به خارج از کشور انتقال مییابد باید آن را در شمار سرمایه گذاری مستقیم خارجی قرارداد .

ازانجا که آمارهای این انواع جدید سرمایه گذاری مستقیم درمقیاس بین المللی وجود ندارد ، ارقامی که از سرمایه گذاری مستقیم خارجی در زیر ارائه میشود فقط تعریف محدود این نوع سرمایه گذاریها را در برمیگیرد .

تحولات دهه های اخیر

سرمایه گذاری خارجی کشورهای صنعتی در کشورهای در حال توسعه به روز کار حکومتهای مستعمراتی باز میکرد . در آن زمان سرمایه سه گذاریهای خارجی در کشورهای مستعمره بفعالیتهای متمرکز بود که به افزایش منابع کشاورزی ومعدنی می انجامید وازاین طریق می توانست بر قدرت قوای استعمارگر بیفزاید . ارزش افزوده ی محلی این قبیل سرمایه گذاریها اغلب بسیار ناچیز بود . از آن جا که بهای کالاهای وارداتی در کشور میزبان در هر صورت بسیار گران بود ، کشورهای مذکور احساس میکردند که منابع آنها بسیار ارزان به خارج رانده میشود ومیهمانان خارجی در واقع آنها را استثمار میکنند از طرف دیگر چون شرکت مختلط هیچگونه خودمختاری نمیتوانست داشته باشد ، میزبانان خود را زیر سلطه ی خارجی میدیدند وبنابراین نمیتوانستند این قبیل سرمایه گذاریها را مقبول بدانند .

درسالهای دهه ی ۱۶۵۰ و ۱۹۶۰ رغبت جدی کشورهای در حال توسعه برای صنعتی شدن موج جدیدی از سرمایه گذاری مستقیم را در جهان

براه انداخت . از آن گذشته ، اجرای سیاستهای جایگزینی واردات که براساس ان بازار داخلی از رقابت خارجی مصون نگاه داشته میشود وضعیت را به وجود آورده بود که در آن شرکتهای مختلط میتوانستند از سود انحصاری شایان توجهی بهره مند شوند زیرا این شرکتهای (میهمان - خارجی) در رشته هائی فعالیت میکردند که به شرکتهای تحت پوشش و حمایت دولت وابسته بودند . در این دوره ، شرکتهای چند ملیتی دوره ی اوج فعالیت خود را میگذرانیدند و مدیران خارجی به ندرت منافع محلی را مدنظر قرار میدادند و با تمام قوا به حداکثر سود میپرداختند .

با ادامه ی این طرز برخورد نظر کشورهای میزبان نسبت به سرمایه گذاری مستقیم خارجی تغییر کرد و بسیاری از کشورها چنین سرمایه گذاری را به عنوان دخالت خارجی و ابزار سیاست استعماری جدید میشمردند . بدون تردید در موارد متعدد شرکتهای چند ملیتی به حاکمیت ملی کشورهای میزبان خود خدشه وارد میآوردند . سرمایه گذاران خارجی با توسل به ترفند های گوناگون میتوانستند از مالیات بگریزند ، خود را از پوشش سیاستهای کنترل قیمت دور نگاه دارند و مقررات محدود کننده ی ارزی کشورهای میزبان را زیر پا بگذارند . آنها هم ی این کارها را با دست کاری در قیمتها و قرار گرفتن زیر پوشش انواع سوبسید ها انجام میدادند . مشکل بزرگتر آن که شرکتهای خارجی سودی سرشار عاید خود میساختند و در صورت انگیزه های فعالیت را در کشورهای میزبان سرکوب مینمودند . شیوه های تولیدی سرمایه گذاران خارجی هم اغلب با ساخت و بافت اقتصادی کشورهای میزبان هماهنگی نداشت .

واکنش نشان دادن کشورهای در حال توسعه به این قبیل برخوردها امری اجتناب ناپذیر بود . به ویژه در فعالیتهای مرحله ی یکم (کشاورزی و فعالیتهای معدنی) موج ملیت خواهی و ملی کردن دامنه ی عمل سرمایه گذاران خارجی را محدود ساخت . در بیشتر کشورها سازمانهای ویژه ی دولتی جهت ثبت میزان و ماهیت سرمایه گذاری

خارجی تاسیس شد. برای بازگردانیدن سود سرمایه گذاری خارجی به کشور مادر محدودیتهائی را وضع کردند و شراکت خارجی در شرکتهای محلی با مقررات محدود کننده ی تازه ای روبرو گشت. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مدارهای سرمایه ای بوجود آمد و حوزه های مجاز سرمایه گذاری و فعالیت خارجی را مشخص کردند. به خارجیان اجازه داده شد که در فعالیتهائی شرکت کنند که به تشویق صادرات می انجامید.

در صحنه ی بین المللی هم عموم آگاه شده بودند که شرکتهای چند ملیتی با قدرتی که داشتند میتوانند به سو استفاده از قدرت بپردازند و این رو افاق بین المللی تجارت، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه * و سازمان ملل دستور العمل هائی درباره ماهیت عملکرد شرکتهای چند ملیتی نوشتند. علاوه بر آن در سال ۱۹۷۴ سازمان ملل حق حاکمیت کشورهای را برای کنترل منابع زیرزمینی شان به رسمیت شناخت و به روایتی ملی کردن منابع مربوط به فعالیتهای مرحله ی یکم توسعه را مجاز خواند.

سرمایه گذاران خارجی با مشاهده ی تغییر دیدگاههای کشورهای سرمایه میزبان در پی یافتن راههای جدید سرمایه گذاری برآمدند و کوشیدند تا به هر ترتیب از دسترسی خود به بازارهای خاص حمایت کنند. هدف این بود که به رغم خطر ملی شدن و تردید هائی که در بساط محیط فعالیت آنها وجود داشت، شرکتهای چند ملیتی بتوانند سود قابل ملاحظه ای بدست آورند. در این وضع بود که تعداد شرکتهای مختلط افزایشی چشمگیر یافت و شرکتهای متعددی بوجود آمد که در ان ها سرمایه گذاران خارجی کمتر از ۵۰ درصد از سرمایه را به خود اختصاص داده بودند. تردیدی نیست که این تحول برای ارضای خواسته های کشورهای میزبان و جلوگیری از بروز فشارهای داخلی صورت

* ORGANIZATION FOR ECONOMIC CO-OPERATION AND DEVELOPMENT = OECD

گرفته بود. ازان گذشته، شکلهای جدیدی از سرمایه گذاری خارجی نیز بوجود آمد که در آنها قراردادها بدون استفاده از سرمایه های خارجی مشارکت خارجیان را مورد تأیید قرار میداد. بطور خلاصه، در کلیه ی فعالیتهای اقتصادی امکانات تازه ای برای سرمایه گذاری خارجی بروز کرد و در فعالیتهای مرحله های دوم و سوم هم امکانات سنتی سرمایه گذاری مستقیم خارجی همچنان برقرار باقی ماند.

درواقع، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به مفهوم در دست داشتن اکثریت سهام یا مالکیت تمام و کمال تنها محدود به مواردی میشد که فعالیت در زمینه ی صادراتی بود و به طبع در این موارد یا محدودیتی وجود نداشت یا آن که محدودیت وضع شده بر فعالیتها حداقل بود. سیاست جایگزینسی واردات ناگهان کشورهای در حال توسعه را در موقعیتی قرار داده بود که صنایعی را ساخته بودند که نمیتوانستند در صحنه ی بازارهای بین المللی رقابت کنند و این مدارهای جدید صادراتی در کنار بخش حفاظت شده ساخته میشد تا به هر ترتیب از مشکل سدهائی که طرفداران سیاستهای حمایتی ایجاد کرده بودند بگریزد هر چند که پائین بودن دستمزدها و تجارت دوران مقررات و محدودیتها که در این مدارها وجود داشت بیشتر شرکتهای فعال در بخشهای ضعیف کشورهای صنعتی را به خود جذب میکرد زیرا این شرکتهای نمیتوانستند در کشورهای اصلی خود استانداردهای بهره وری را حفظ کنند و بنابراین رقابت با شرکتهای فعال هم وطن را دشوار می یافتند.

در سالهای اخیر دیدگاه کشورهای در حال توسعه نسبت به سرمایه گذاری مستقیم خارجی تغییراتی بنیادی کرده است. تضعیف وضع اقتصادی و سیاسی این کشورها سبب شده که آنها در موضع قبلی خود را تعدیل کنند. ازان گذشته، روند آزادمنشانه ای که در کشورهای صنعتی وجود دارد بر کشورهای جهان سوم بی اثر نمانده و در هر صورت ر شد برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا آنقدر به نظر کشورهای جهان سوم جذاب آمده که میخواهند آن کشورها را الگو قرار دهند. بنابراین، جوی ایجاد شده است که در آن سرمایه گذاری خارجی و فعالیت

خصوصی مقبول تر از گذشته دیده میشود. کشورهای مانند کسره ی جنوبی، تایوان و مالزی توانسته اند دانش فنی پیشرفته ای را از راه مدارهای صادراتی به داخل اقتصاد خود بکشایند و در بسیاری دیگر از کشورها سیاست خصوصی کردن واحدهای دولتی باجدیت تمام دنبال میشود. تشویق فعالیت بخش خصوصی باموضوع گیری میانه رو تر در مورد سرمایه گذاری خارجی همراه گشته است و کشورهای در حال توسعه دوباره به این فکر افتاده اند که در صورت امکان از منابع خارجی برای توسعه ی خود استفاده کنند.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی بعنوان منبع تامین منابع ازخارج

درسالهای دهه ی ۱۹۷۰ سرمایه گذاری مستقیم خارجی تحت الشعاع وام دهی گسترده ی بانکهای بین المللی قرار گرفت (جدول شماره ی ۱) افزایش وام دهی بانکها به دلیل رغبت شایان توجه کشورها به کنترل منابعشان و فراهم بودن همه جانبه ی منابع مالی صورت گرفته بود. پاره ای از این وامها در اصل بهره ی واقعی منفی داشت. بانزدیک شدن سالهای پایانی دهه ی ۱۹۷۰، کشورهای وام گیرنده و بدهکار که خود را به تدریج زیر فشار روز افزون باربدهیها و وخیم تر شدن رابطه ی مبادله باخارج میدیدند و به مرور زمان باید بهره های واقعی سنگین تر را میپرداختند خود را در وضعی یافتند که بحران بدهیها اجتناب ناپذیر بود. پس از بحران اوت ۱۹۸۲ کشور مکزیك، دسترسی بسیاری از کشورهای در حال توسعه به منابع بانکها بین المللی متوقف شد و از آن زمان علاقمندی کشورهای جهان سوم به سرمایه گذاری مستقیم خارجی دوباره افزایش یافت زیرا مزایای در آن دیده میشد که در وضعیت دسترسی نداشتن به منابع بانکها میتوانست مجذوب کننده باشد.

یکی از مزایای سرمایه گذاری مستقیم خارجی این است که خط سرمایه گذاری بطور کامل یا به صورت درصدی بردوش سرمایه گذار خارجی می افتد. بنابراین فقط درحالتی که سودی حاصل شود، استهلاك سرمایه گذاری صورت میگیرد درحالی که در موردوام گیری

از خارج اقساط اصل و بهره ی وام در هر صورت پرداختنی است حتی اگر وام گیرنده خود از راه اندازی منابع دریافتی عایدی نداشته باشد . علاوه بر آن ، حتی اگر سرمایه گذاری تامین شده با وام ، سود آور هم باشد ، هیچ دلیلی وجود ندارد که ساخت سرسید اقساط بایسازده سرمایه گذاری هماهنگی داشته باشد . باز ، سرمایه گذاری مستقیم خارجی در درون خود بر اساس مکانیسمی عمل میکند که در واقع درصدی از آن بشکل سود دوباره سرمایه گذاری شده به داخل اقتصاد وارد میشود . شوکهای خارجی که به ترضیع درآمد صادراتی یک کشور می انجامد از بازده سرمایه گذاری خارجی میکاهد و بنابراین مبلغ سودی که به خارج انتقال می یابد کمتر میشود در حالیکه در مورد وامهای دریافتی چنین قاعده ای صادق نیست . بدهیهای خارجی نسبت بوضع عمومی اقتصاد هیچ حساسیتی نشان نمیدهد و در هر صورت باید پرداخت شود .

همان گونه که در جدول شماره ی (۱) دیده میشود جلب سرمایه گذاری خارجی برای همه ی کشورها به یک اندازه آسان نیست . فقیرترین کشورها به مراتب بیش از سایرین به منابع وامی دولتی خارجی و کمکهای توسعه ای وابسته و نیازمندند . در سالهای اخیر ، کشورهای در حال توسعه ای که وضع مالی به نسبت بهتری داشتند توانسته اند با دریافت وامهای تجارتي تامین منابع کنند و در عین حال این کشورها بیش از سایر کشورهای در حال توسعه در جذب سرمایه های خارجی توفیق داشتند (جدول شماره ی ۲) . علت این امر یکسان نبودن معیارهائی است که بانکداران بین المللی و سرمایه گذاران خارجی پیش از منابع رسانی به کشورهای در حال توسعه به آنها توجه میکنند . معیارهای کلی در واقع همان ثبات سیاسی ، توان وامکان رشد ، گستردگی بازار و زیربنای اقتصادی موجود کشورهای در حال توسعه است .

ویژگی توجه دوباره ی کشورهای در حال توسعه به سرمایه گذاری مستقیم از آنجا ناشی میشود که برخی از کشورهای در حال توسعه ی به نسبت

ثروتمند تر این روزها بدهیهای خود را با اسناد مالکیت معاوضه میکنند* . علت این است که برخی بانکهای طلبکار از کشورهای در حال توسعه حاضرند مطالبات خود را بسیار ارزان واگذار کنند و بار مشکلات مالی خود را که ناشی از پرداخت نشدن بدهیهای بین المللی کشورهای بدهکار است کاهش دهند . سرمایه گذاران خارجی این بدهیها را میخرند و سپس با کمک مقامات کشور بدهکار آنها را به پول ملی بدهکاران تسعیر میکنند . کشور بدهکار از آن جهت از معاوضه نفع میبرد که بار بدهیهای خارجی اش کاهش می یابد و سرمایه گذار خارجی به آن دلیل سرمایه گذاری را می پذیرد که به اندازه ی تفاوت بین قیمت خرید بدهی و قیمت فروش آن به کشور بدهکار سود میبرد** . هم اکنون در کشورهایی مانند برزیل ، مکزیک ، شیلی و فیلیپین معاوضه ی بدهیها با اسناد مالکیت مرسوم شده است اما البته هنوز رقم این معاوضه ها بسیار ناچیز است .

سرمایه گذاری مستقیم خارجی بعنوان وسیله ای در جریان توسعه

سرمایه گذاری مستقیم خارجی فقط یک روش تامین منابع نیست اما میتواند وسیله ای هم برای توسعه یافتن یک کشور باشد . سرمایه گذاری خارجی میتواند نمونه ای از مدیریت برتر و دانش فنی بهتر باشد و بنابراین توان بازاریابی کشور میزبان را در جریسان توسعه ی صادرات افزایش دهد و تماسهایی که بین خارجیان و شعبه های محلی صنایع برقرار میشود بهره وری کشور را افزایش میدهد و بر قدرت رقابت کشور در صحنه ی بین المللی می افزاید . نیروی کار محلی هم میتواند با کمک سرمایه گذاری خارجی بر مهارت و تجربه ی خود بیفزاید . با وجود این نمیتوان در کلیه ی موارد اثر عمومی سرمایه گذاری مستقیم خارجی را بر کشور میزبان مثبت خواند . هزینه ها

* DEBT-FOR - EQUITY SWAP

** درپاره ای از موارد سرمایه گذار در مقابل هر یک دلار بدهی خریداری کرده فقط ۵ سنت به بانک میپردازد .

ومز ایای سرمایه گذاری به عواملی مانند تاثیر سرمایه گذاری بر محیط ، وضع کاری کارکنان ، و معیار های سلامت کالائی که به بازار عرضه میشود ، بستگی دارد ، هرچند که میتوان تمام این عوامل راناشی از مذاکراتی دانست که بین کشور میزبان و سرمایه گذار خارجی صورت میگیرد . علاوه برآن ، بطور کلی وضع کشورهای در حال توسعه در مذاکره با سرمایه گذاران خارجی در سالهای اخیر روبه بهبود نهاده است .

با این وصف ، نباید این نکته رانادیده گرفت که سیاست عمومی اقتصادی کشور میزبان نیز بر هزینه و سود سرمایه گذاری خارجی اثر میگذارد . بسیاری کشورهای در حال توسعه ای که کوشیده اند به اجرای سیاستهای حمایتی صنعتی شوند و در بیشتر موارد پول ملی این کشورها گران و نرخ واقعی بهره در آن کشورها منفی بوده است . سرمایه گذاری خارجی مستقیمی که به این کشورها سوق داده میشود اغلب به منظور فروش در بازارهای داخلی بوده است و درغیاب رقابت خارجی امکان سودآوری به شدت افزایش یافته است درحالی که گرانی بی رویه ی پول ملی سبب شده که واردات کالاهای واسطه ای بسیار ارزان تمام شود و به این ترتیب کشور درحالی توسعه هرگز نکوشیده است که فعالیتهای وابسته به جریان اصلی تولید را گسترش دهد . این وضع فشارهای زیادی برتراز پرداختهای کشور در حال توسعه میتواند وارد آورد زیرا تاثیر افزایش واردات برتراز پرداختها منفی است و انتقال سود به خارج نیز اثر منفی جدیدی برتراز پرداختها باقی میگذارد . به این ترتیب خروج ارز از کشور به مراتب بیش از ارزی خواهدشد که در وهله ی اول به کشور وارد شده است .

درپاره ای از موارد شیوه ی فنی برگزیده ی واحد های خارجی مناسب حال کشور در حال توسعه نیست . بنابراین ، اگرچه بنظر میاید که در کشورهای در حال توسعه شیوه های سرمایه برتولید مناسب نباشد و نیروی کار فراوان موجود در این کشورها روشهای کاربر رامیطلبد ، اما منفی بودن نرخ واقعی بهره که وام گیری

از بازار محلی را امکانپذیر میسازد به همراه پول ملی گران کشور و ورود کالاهای سرمایه ای رابه قیمتی ارزان ممکن میسازد. اجرای سیاست جایگزینی واردات میتواند تاثیری مشابه داشته باشد یعنی چون سود شرکت خارجی کم و بیش تضمین میشود ، جستجو برای یافتن روشهای کاهش هزینه عملی ضروری نیست و روشهای تولیدی سرمایه بری که در شرکت مادر اجرا میشود میتواند با تغییر اندک توسط شرکت وابسته در کشور میزبان مورد استفاده قرار گیرد .

سیاست برگزیده در سالهای دهه ی ۱۹۷۰ این بود که مدارهای صادراتی را بوجود آورند اما کشورهای میزبان از این سرمایه گذاری هاچندان بهره مند نشدند . بودجه ی دولتهای میزبان بشدت زیر فشار تامین منابع برای صنایعی قرار گرفت که سرمایه گذاران ان از وامهای ترجیحی استفاده میکردند . به دلیل ماهیت خاص فعالیت اخیر ، مساله ی آموزش نیروی انسانی در کشور میزبان نیز بندرت مطرح میشد و کادر مدیران را در بیشتر موارد از خارج به کشور میزبان ارسال میکردند . علاوه بر آن ، ویژگی خاص مدار صادراتی سبب میشد که دانش فنی تمرکز نیابد و اقداماتی از قبیل تخفیف مالیاتی یا اعطای سوبسید برای جلب سرمایه ی بیشتر به داخل کشور در عمل سود کشور میزبان رابه کمترین حد کاهش میداد و تسهیلات که بابت استهلاك سرمایه در نظر گرفته میشد ، استفاده از روشهای سرمایه بر تولید رابه شدت تشویق میکرد .

کشورهای صنعتی و جریان سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه

واحدهای فعال در کشورهای صنعتی بانگیزه های گوناگون بسرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه میپردازند . از جمله ی این انگیزه ها میتوان به اطمینان از در اختیار داشتن مواد خام و اولیه ، حفظ و نگهداری بازار ، گسترش سهم در بازار با استفاده از موانع حفاظتی ایجاد شده در کشور میزبان یا انتقال تمام یا بخشی از تولید به خارج از کشور اشاره کرد . در موارد اخیر پائین بودن دستمزدها در خارج از کشور عامل جذب سرمایه ی خارجی برای تولید در خارج از کشور

میشود . در مورد فعالیت‌های از قبیل عملیات بانکی ، شرکتهای بیمه و حمل و نقل که جهت گیری جدی بین المللی در آنها وجود دارد ، بدون دسترسی به بازارهای بین المللی گسترش فعالیت غیرممکن است . بنا براین این گروه فعالیتها برای افزایش دامنه ی عمل خود در هر صورت به بازارهای خارجی نیازمندند .

کشورهای صنعتی که در کشورهای در حال توسعه سرمایه گذاری میکنند عبارتند از ایالات متحده و قدرتهای استعماری بزرگ مانند بریتانیا و فرانسه که بخش قابل ملاحظه ای از سرمایه گذاریهای خارجی گروه اخیر در مستعمرات قدیمی آنها صورت میگیرد زیرا در هر صورت از دیرباز بین آنها ارتباط تجارتي برقرار بوده است . در سالهای اخیر ، شرکتهای ژاپنی و آلمانی نیز جای پای خود را محکم تر کرده اند .

در تمام موارد در کشورهای صنعتی سیاستهای آزادمنشانه ای درباره ی سرمایه گذاری در خارج از کشور اعمال شده است هر چند که نگرانی در مورد اردست دادن فرصتهای کاری در داخل کشور (بدلیل خروج سرمایه) همیشه عاملی بازدارنده محسوب شده است .

با وجود این میتوان سرمایه گذاریهای خارجی را در کشورهای در حال توسعه افزایش داد . بعنوان مثال کشورهای صنعتی میتوانند سیاستهای آزادمنشانه ی خود را بسط دهند تا سرمایه گذاری در خارج را تشویق کنند .

بسیاری از کشورهای در حال توسعه هم به نوبه ی خود به آزاد سازی جریان سرمایه گذاری خارجی در داخل کشور مبادرت ورزیده اند . دولت‌های صنعتی هم برای تامین امنیت سرمایه گذاری خارجی از اعطای تسهیلاتی نظیر بیمه ی سرمایه گذاری خودداری نکرده اند . بزرگترین واحد بیمه را بانک جهانی تشکیل داده است . این واحد آژانس چند ملیتی تضمین سرمایه * نام دارد .

* MULTINATIONAL INVESTMENT GUARANTEE AGENCY = MIGA

دهه ی ۱۹۸۰ رامیتوان باتغییر دیدگاه کشورهای درحال توسعه نسبت به سرمایه گذاری خارجی مشخص کرد . موضع مخالفت آمیز ایمن کشورها که دردهه ی ۱۹۷۰ به خوبی مشهود بود دردهه ی حاضر به مراتب خوش بینانه تر وملایم تر شده است . تغیییر نظر کشورهای درحالی توسعه تنها به دلیل فشارهای ناشی از بحران بدهیهای بین المللی پیش نیامده است اما ایجاد ثبات بیشتر در ارتباط سرمایه گذاری خارجی وکشور درحال توسعه ی میزبان نیز عاملی درتشویق سرمایه گذاری خارجی بوده است .

در بیشتر موارد سرمایه گذاریهای سالهای اخیر کشور میزبان باپذیرش درصدی ازحق مدیریت پذیرای پاره ای از خطرات سرمایه گذاری میشود وبه این ترتیب کشور درحال توسعه میتواند جهت گیری سرمایه گذاری مستقیم خارجی رامطابق میل خود تغییر دهد . درهرصورت ، حتی اگر مدیریت بطور کامل دردست خارجیان باشد بازهم درمقایسه بادوسه دهه ی گذشته سود سرمایه گذاری خارجی به مراتب بیشتر و هزینه ی آن به مراتب کمتر است . شرکتهای چند ملیتی امروزه قواعد ویژه ای برای ماهیت حرکت وفعالیت خود وضع کرده اند وبنابراین رفتارهای هماهنگ تری از آنها مشاهده میشود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جدول شماره (۱) : تامین منابع ارجاع توسط کشورهای درحال توسعه ی واردکننده ی سرمایه (میلیارد ریال)

	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۹	۱۹۷۸	۱۹۷۷
کل کشورهای درحال توسعه ی سرمایه	۵۳/۳	۵۵/۳	۴۳/۱	۳۶/۴	۶۰/۴	۱۰۳/۳	۱۱۳/۱	۷۷/۰	۶۰/۸	۵۶/۴	۳۶/۹
کسری تر ارجاعی (۱)	۷/۱	۸/۱	۲/۳	۱۷/۷	۹/۴	-۱۷/۲	-۵/۱	۱۸/۶	۲۱/۶	۱۳/۸	۱۰/۷
تغییر درختایر											
تامین منابع :											
خارج سرمایه گذاری مستقیم	۱۳/۳	۱۱/۴	۱۰/۰	۹/۹	۹/۶	۱۳/۱	۱۶/۱	۸/۹	۱۰/۳	۷/۸	۶/۰
انتقالات رسمی	۱۶/۳	۱۷/۰	۱۶/۳	۱۳/۸	۱۳/۳	۱۳/۵	۱۳/۶	۱۳/۴	۱۱/۶	۸/۳	۸/۳
وامهای بلند مدت دولتی (۲)	۳۶/۶	۳۷/۳	۱۸/۰	۲۸/۷	۳۱/۶	۳۰/۱	۲۵/۴	۱۹/۳	۱۶/۵	۲/۸	۲/۸
وامهای تجارتي	۱۶/۴	۱۶/۱	۱۰/۸	۱۳/۴	۱۷/۵	۴۹/۳	۳۶/۱	۳۷/۳	۳۷/۳	۴۳/۸	۲۸/۲
سایر	-۹/۳	-۶/۴	-۹/۸	-۹/۸	-۲/۳	-۱۷/۵	-۳۳/۹	-۱۳/۳	-۶/۰	-۶/۳	-۸/۷
ارجاعه : گروه کشورهای وام گیرنده اد با ارزهای بین المللی (۳)	۱۱/۹	۱۳/۵	۰/۵	۵/۸	۲۹/۶	۳۶/۳	۳۳/۱	۳۶/۷	۳۰/۴	۳۳/۸	۳۹/۵
کسری تر ارجاعی (۱)	۵/۵	۴/۵	۷/۶	۱۹/۸	۴/۳	-۳۴/۸	-۵/۰	۱۸/۳	۱۰/۶	۶/۰	۶/۰
تغییر درختایر											
تامین منابع :											
خارج سرمایه گذاری مستقیم	۸/۶	۸/۳	۷/۳	۷/۳	۷/۴	۱۰/۷	۱۱/۳	۷/۵	۸/۰	۶/۴	۴/۵
انتقالات رسمی	۲/۱	۲/۱	۲/۱	۲/۳	۲/۴	۲/۰	۱/۸	۱/۵	۱/۳	۱/۰	-۸/۸
وامهای بلند مدت دولتی (۲)	۸/۵	۱۱/۳	۵/۸	۱۱/۹	۱۵/۶	۷/۳	۹/۴	۷/۷	۵/۱	۶/۵	۵/۵
وامهای تجارتي	۴/۴	۳/۵	۴/۶	۱۱/۷	۱۰/۷	۴۹/۳	۳۵/۶	۵۳/۷	۴۰/۷	۳۶/۵	۳۳/۱
سایر	-۶/۳	-۷/۱	-۱۱/۷	-۷/۴	-۲/۳	-۱۹/۷	-۳۰/۱	-۱۶/۴	-۶/۴	-۷/۰	-۷/۴
ارجاعه : گروه کشورهای وام گیرنده ارزهای خارجی (۴)	۱۶/۷	۱۵/۸	۱۵/۵	۱۶/۳	۱۵/۷	۱۷/۵	۱۹/۰	۱۶/۰	۱۱/۱	۱۱/۰	۸/۴
کسری تر ارجاعی (۱)	-۱/۳	-۰/۳	-۰/۶	-۱/۴	۱/۰	-۱/۱	-۰/۴	-۰/۳	-۰/۸	-۰/۸	۱/۹
تغییر درختایر											
تامین منابع :											
خارج سرمایه گذاری مستقیم	-۱/۶	-۱/۵	-۰/۴	-۰/۴	-۰/۴	-۱/۹	-۰/۳	-۰/۲	-۰/۵	-۱/۶	-۰/۷
انتقالات رسمی	۶/۸	۶/۶	۶/۵	۶/۴	۶/۵	۷/۳	۶/۳	۶/۹	۶/۱	۳/۹	۴/۳
وامهای بلند مدت دولتی (۲)	۷/۷	۷/۸	۵/۶	۷/۵	۷/۳	۸/۸	۹/۳	۷/۸	۶/۳	۳/۹	۳/۱
وامهای تجارتي	-۰/۵	۱/۰	-۰/۹	-۰/۶	۱/۴	-۲/۰	-۱/۵	۱/۱	-۰/۸	۲/۵	۲/۴
سایر	-۰/۱	-۰/۳	۱/۵	۱/۳	۱/۸	۲/۷	-۰/۳	-۰/۹	-۰/۹	-۰/۱	-۰/۱

(۱) - حساب جاری به جز انتقالات دولتی

(۲) - وام گیرندگان دولتی به جز سازمانهای پولی

(۳) - کشورهای درحال توسعه ی به نسبت فرقی کمتر که در فاصله ی ۸۲ - ۱۹۷۸ دست کم توسعه وامهای دولتی بوده است .

(۴) - کشورهای درحال توسعه ی به نسبت فقیتر که در فاصله ی ۸۲ - ۱۹۷۸ دست کم توسعه ارزهای درختایر آنها از منابع وامهای دولتی بوده است .

جدول شماره (۲) : سرمایه‌ی خارجی دربرخی از کشورهای درحال توسعه

عنوان	سرمایه خارجی (میلیون دلار آمریکا)	
	۱۹۷۲	۱۹۸۲
برزیل	۷/۵	۲۴/۶
آفریقای جنوبی	۸/۴	۱۷/۱
مکزیک	۳/۱	۱۳/۶
سنگاپور	۰/۶	۷/۹
اندونزی	۱/۷	۶/۸
مالزی	۱/۲	۶/۲
آرژانتین	۲/۵	۵/۸
ونزوئلا	۳/۶	۴/۳
هند کنگ	۰/۹	۴/۳
		۱۶/۷
		۱۴/۹
		۳۰/۴
		۱۵/۹
		۴۴/۴
		۳۵/۱
		۵/۵



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
 مرکز اسناد و کتابخانه ملی

(۵) - به جز پشمهای کوتاه مدت

IMF ; Occasional Paper No 33 ; 1985 ساخت : ۱۹۸۲